



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 14 Issue: 36
Autumn 2023

Pages: 53-82

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2023.53396.2366

Received: 2022/09/10 Received in revised form: 2023/03/19 Accepted: 2023/04/17 Published: 2023/9/29

The Policy of the First Pahlavi Government in Dealing with the Iranian Repatriates From the Soviet Union

Nasrolleh Pourmohammadi Amlashi¹| Saeideh Rahmani²| Masuomeh Khazani³

Abstract

Migration is one of the phenomena that has been familiar among Iranian society since the era of Naser al-Din Shah Qajar. The separation of the southern regions of the Caucasus from Iran as a result of the Iran-Russia wars caused these regions to find a different fate from the other regions of Iran and to be a destination for Iranian immigrants. The best of these immigrants were workers who went to these areas seasonally or permanently due to the existing conditions in Iran and better working conditions in these areas. The decline of the Qajar rule and the communist revolution in Russia led to a decrease in the level of these migrations, and migration turned into returning to Iran. In this research, we seek to examine the policy of the Pahlavi government regarding the return of Iranian nationals who immigrated from the Soviet Union to Iran. It seems that the pressures on Iranian nationals from the Soviet government, as well as the improvement of employment and livelihood situations in Iran, caused these immigrants to return to Iran again. Despite the problems caused by the return of these immigrants, the Pahlavi government provided the necessary platform for this. In this research, an explanatory-descriptive method is used in this research to find a suitable answer to this question as much as possible using documents and library resources.

Keywords: Soviet Iran, Immigrants, Return to Iran, the Pahlavi Rule.

-
1. Professor of Imam Khomeini International University (RA) Qazvin, Iran
poor-amlashi@yahoo.com
 2. Ph.D Candidate in History, Islamic Azad University, Science and Research Department, Tehran, Iran
rahmani-saeideh@yahoo.com
 3. Ph.D Candidate in History at Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran
(corresponding author) khazani213@yahoo.com



بررسی سیاست دولت پهلوی اول نسبت به بازگشت

مهاجران ایرانی از شوروی

نصراله پورمحمدی املشی^۱ | سعیده رحمانی^۲ | معصومه خازنی^۳

چکیده

مهاجرت از پدیده‌هایی است که جامعه ایرانی قاجار از دوره ناصرالدین‌شاه با آن روبرو شده است. جدایی مناطق جنوبی قفقاز از ایران در نتیجه جنگ‌های ایران و روس باعث شد که این مناطق سرنوشتی متفاوت با دیگر مناطق ایران پیدا کنند و مقصدی برای ایرانیان مهاجر باشند. بیشتر این مهاجرین را کارگرانی تشکیل می‌دادند که به دلیل شرایط موجود در ایران و همچنین موقعیت کاری بهتر در این مناطق به صورت فصلی و یا دائمی راهی این مناطق می‌شدند. با انقراض حکومت قاجار و انقلاب کمونیستی در روسیه، از سطح این مهاجرت‌ها کاسته شد و مهاجرت‌ها شکل بازگشت به ایران را به خود گرفت. در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش خواهیم بود که سیاست دولت پهلوی در واکنش به بازگشت اتباع ایرانی از شوروی چه بوده است. مفروض پژوهش این است که فشارهای وارده بر اتباع ایرانی از سوی شوروی و همچنین بهبود وضعیت اشتغال و معیشت در ایران باعث رجعت دوباره این مهاجران به ایران شد و دولت پهلوی نیز علی‌رغم مشکلات ناشی از بازگشت این مهاجران، بستر لازم را برای این امر مهیا نمود. در این تحقیق از روش توصیفی - تبیینی استفاده شده و تلاش می‌شود با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای تا حد امکان جوابی مناسب برای این سؤال یافته شود.

واژگان کلیدی: ایران، شوروی، مهاجران، بازگشت به ایران، دولت پهلوی.

poor-amlashi@yahoo.com

rahmani-saeideh@yahoo.com

khazani213@yahoo.com

۱. استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران

۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از پدیده‌هایی که ایران از دوره قاجار با آن درگیر بود، پدیده مهاجرت کارگری از مناطق شمالی ایران به منطقه روسیه و خصوصاً قفقاز جنوبی است. شرایط مناسب کاری در این منطقه که در نتیجه صنعتی شدن قفقاز فراهم شده بود، سبب گردید از اواخر قرن ۱۹م. و اوایل قرن ۲۰م.، شمار زیادی از روستائیان و حتی شهرنشینان مناطق شمالی ایران و خصوصاً آذربایجان، راهی این مناطق شوند. با روی کار آمدن رضاشاه در ایران و تأسیس حکومت پهلوی و در مقابل سقوط تزارها در روسیه و قدرت‌گیری کمونیست‌ها در آن کشور، این مهاجرت‌ها سیر نزولی به خود گرفته و حتی شاهد بازگشت تعداد زیادی از مهاجران و بازماندگان آن به ایران هستیم. مسئله قابل‌توجه در این مهاجرت‌ها نوع واکنش حکومت مرکزی ایران به آن است. مکاتبات صورت‌گرفته و اقدامات انجام‌شده در این باره نشان از تلاش ایران برای فراهم کردن بستر مناسب برای ورود حداکثری این مهاجران به ایران است. در این پژوهش بر آنیم تا با روش توصیفی تحلیلی به این سال پاسخ دهیم که دولت پهلوی برای بازگشت ایرانیان مهاجر به شوروی دست به چه اقداماتی زده‌است.

پیشینه پژوهش

درباره پدیده مهاجرت و خصوصاً مهاجرت‌های کارگری به جنوب قفقاز، علاوه بر مشاهدات مکتوب ایرانیان از این مهاجرت‌ها و وضعیت مهاجران، تحقیقات متعدد و درخوری نیز صورت گرفته‌است. درباره این مهاجرت‌ها خصوصاً مهاجرت‌های منتهی به سال‌های انقلاب مشروطه و پس از آن، اطلاعات قابل‌توجهی در خاطرات برخی رجال ایرانی مسافر قفقاز و همچنین روزنامه‌های چاپ قفقاز منعکس شده‌است. *زندگی طوفانی سید حسن تقی‌زاده، سیاحت‌نامه زین‌العابدین مراغه‌ای، تاریخ مشروطه ایران* به قلم احمد کسروی، *قیام آذربایجان در انقلاب مشروطه ایران* تألیف کریم طاهرزاده بهزاد و *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز* نوشته حاجی محمدباقر ویجویه، گزارش‌های دیپلمات‌های روسیه تزاری و انگلیس و همچنین برخی روزنامه‌های مطرح قفقاز مانند *ملانصرالدین، ترقی و ارشاد*، از مهم‌ترین منابعی است که در این باره اطلاعاتی آورده‌اند. منابع دیگری که به مهاجرت در دوره پهلوی پرداختند به چرایی و چگونگی بازگشت مهاجران ایرانی و نوع سیاست اتخاذشده

دولت پهلوی پرداختند مانند مقاله بررسی «تبعید ایرانیان از شوروی طی سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۲۰ش» نوشته آقایان سید محمود سادات، مرتضی نورایی و حسین میرجعفری که به سال ۱۳۹۲ در فصلنامه گنجینه اسناد به چاپ رسیده است، به بررسی چرایی حمایت‌های اولیه صورت گرفته از معاودت اتباع ایرانی از شوروی و نگاه امنیتی به این ایرانیان در اواخر حکومت پهلوی اول پرداخته است. شهلا آذری نیز در مقاله‌ای با عنوان «مهاجرت اتباع شوروی به ایران (۱۳۱۷-۱۳۹۷)ش» صرفاً به ارائه برخی اسناد مربوط به مهاجران و همچنین مشکلات ناشی از ورود این افراد به ایران اکتفا کرده است. محمود امیرطاهری نیز در کتاب خودش تحت عنوان روابط ایران و شوروی در دوره رضاخان، با توجه به برخی اسناد برجای مانده به موضوع بازگشت مهاجران و مشکلات مربوط به این مهاجرت‌ها و همچنین سیاست‌های دولت پهلوی در مواجهه با این مهاجرت‌ها پرداخته است. بدیع بودن موضوع حاضر در این است که در پژوهش پیش رو مستقلاً و با استفاده از اسناد و منابع تاریخی به عنوان منابع مکمل و با استفاده از روش توصیفی تبیینی موضوع حمایت از این مهاجرین قبل و بعد از ورود به ایران، گونه‌های این حمایت‌ها و همچنین مشکلات مربوط به اشتغال، اسکان و کنترل این مهاجران با مراجعه به اسناد جدید مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این پژوهش در پی یافتن جوابی مقرون به واقعیت درباره چگونگی مواجهه حکومت پهلوی با این پدیده است.

۱. آغاز مهاجرت‌ها به قفقاز

شروع مهاجرت‌های کارگری به قفقاز سابقه‌ای طولانی داشته و قبل از روی کار آمدن دولت پهلوی در ایران، در شمار بسیار وسیعی صورت می‌گرفته است. سابقه رفت‌وآمد کارگران ایرانی به این منطقه، به دوران پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار بازمی‌گردد (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۲). نخستین گزارش‌هایی که به آغاز مهاجرت‌های گسترده به منطقه فوق‌الذکر اشاره می‌کند، مربوط به گزارش‌هایی است که ابوت کنسول بریتانیا در سال ۱۲۳۴ق (۹۰ سال قبل از امضای فرمان مشروطه) تهیه کرده است. در همین سال کنسول‌گری روسیه در تبریز، در عرض دو ماه تعداد ۳۰۰۰ روآدید برای کارگران ایرانی صادر کرده است (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۱۶). در نیمه دوم قرن ۱۹م. خروج نیروی کار از مناطق شمالی ایران به آن سوی

مرزها شدت گرفت و تا دوران انقلاب مشروطه و پس از آن نیز در شمار بالایی صورت پذیرفت. شمار این مهاجرت‌ها به حدی بوده که مرز ارس در آن دوره به یکی از پرفرت‌وآمدترین مرزهای جهان تبدیل شده بود (رئیس‌نیا، ۱۳۵۷: ۵۵). در نتیجه چنین حجمی از مهاجرت‌ها بوده‌است که جمعیت مناطق شمالی ایران کاهش یافته و در مقابل جمعیت منطقه قفقاز افزایش داشته‌است (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۶۳: ۱۱۵).

برای فهم حجم مهاجرت‌ها و درک حجم کاهش این رفت‌وآمدها در دوره مورد بحث این پژوهش، به جاست تا نگاهی به آمارهای ارائه شده از سوی *آروتونیان روس* بیندازیم. وی آمار صدور گذرنامه از آذربایجان ایران به روسیه در اواخر قرن ۱۹م. و اوایل قرن ۲۰م. را چنین ذکر کرده‌است: «۱۸۹۱ / ۱۵۶۱۵ - ۱۸۹۲ / ۱۶۴۸۸ - ۱۸۹۳ / ۱۵۹۰۶ - ۱۸۹۴ / ۱۷۳۷۳ - ۱۸۹۶ / ۱۹۶۳۹ - ۱۸۹۷ / ۲۲۸۶۱ - ۱۸۹۹ / ۲۹۷۳۵ - ۱۹۰۳ / ۳۲۸۶۶ - ۱۹۰۴ / ۵۹۱۲۱ - ۱۹۰۵ / ۶۲۳۴۹» (آروتونیان، ۱۳۸۵: ۲۸). علاوه بر این آمار رسمی که مربوط به تعداد مهاجرین قانونی از خاک ایران به روسیه است، بر اساس آمار غیررسمی، ایرانیان مهاجر در روسیه را به سال ۱۹۰۵م.، ۳۰۰ هزار نفر تخمین زده‌اند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۷۶) و حتی در همین سال‌ها ۲۲ درصد کارگران حاضر در مؤسسات نفتی باکو را از ایرانیان دانسته‌اند (ایوانف، ۱۳۵۷: ۳۵).

نکته‌ای که درباره این مهاجرت‌ها نبایستی از نظر دور داشت این است که علاوه بر ایرانیانی که با دریافت تذکره و به صورت قانونی از ایران خارج می‌شده‌اند، در مقابل بسیاری از این مهاجران، بدون دریافت تذکره و به صورت قاچاق راهی روسیه می‌شده‌اند. تیگرنوف روس ادعا می‌کند که در سال ۱۹۰۵م. تنها از منطقه اردبیل، سالانه سی الی چهل هزار نفر بدون دریافت تذکره راهی قفقاز شده‌اند (حکیمیان، ۱۳۷۴: ۵۲). گزارش مأمور باکو به وزارت امور خارجه در شوال سال ۱۳۱۸ هـ ق ادعای این دیپلمات روس را قوت می‌بخشد. وی در گزارش خود می‌آورد: «هر روز که کشتی از سمت ایران وارد بادکوبه می‌شود، در هر کشتی قریب ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر از اهالی اردبیل و مشکین‌شهر می‌آیند. در میان این جماعت ۲۰ نفر زیاد تذکره ندارند، سایرین بی تذکره می‌آیند» (دهنوی، ۱۳۸۳: ۱۵).

۲. دلایل معاودت ایرانیان از شوروی

نکته مهمی که بایستی قبل از نوع مواجهه حکومت پهلوی اول با ایرانیان مهاجر موردبررسی قرار گیرد، چرایی علاقه و اصرار ایرانیان مهاجر شوروی برای بازگشت به ایران است. حبس، تبعید، آزار و اذیت اتباع خارجی و به تبع آن ایرانیان و همچنین بهبود وضعیت ایران در دوره حکومت پهلوی و در مقابل بیکاری ایرانیان در شوروی و سختی‌های تأمین معیشت از سوی آنان در خاک اجنبی را می‌توان مهم‌ترین دلایل این بازگشت دانست.

۲.۱. سیاست شوروی در مواجهه با ایرانیان مهاجر

روی کار آمدن حکومت کمونیستی شوروی و به تبع آن تغییر قانون تابعیت در این کشور باعث شد تا حجم زیادی از ایرانیان راهی تبعیدشده و یا به‌زور به ایران فرستاده شوند. دولت شوروی با استناد به همین قانون دست به چنین اقداماتی زده‌است. این کوچ اجباری و تبعید ایرانی‌های مقیم شوروی در راستای سیاست‌های پاک‌سازی جمعیتی مناطق مرزی، سرکوب قومیت‌ها و خاموش کردن صدای مخالفین بوده‌است (دمیرچی‌لو، ۱۳۹۸: ۲۵).

دولت شوروی از سال ۱۳۰۵ ش تصمیم به اخراج ایرانی‌ها گرفت و از سال ۱۳۰۹ این تبعیدها به‌صورت روزانه درآمد. هرچند این تبعیدها در ابتدا به‌صورت تدریجی بوده اما از سال ۱۳۱۶ و خصوصاً در سال ۱۳۱۷ ناگهان روند صعودی به خود گرفته‌است. عامل افزایش تعداد تبعیدی‌ها در این سال، واکنش شوروی به سیاست رضاشاه در مقابل کمونیست‌های ایرانی بود. شوروی در واکنش به این سیاست ایران در سال ۱۳۱۷ با اخراج سه‌هزار و پانصد نفر از ایرانیان مقیم قفقاز نارضایتی خود را به برخورد رضاشاه با کمونیست‌ها و طرفداران مرام اشتراکی نشان داد. نکته قابل توجه اینکه در میان تبعیدی‌ها عناصر مشکوک فراوانی نیز بودند که به‌عنوان مأمور مخفی و جاسوس مسکو در ایران فعالیت می‌کردند (ولی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۱۶-۲۱۵). هرچند این افراد در ابتدا و بعد از بازگردانده شدن به ایران به کارهای عادی مشغول بودند ولی بعدها مشخص شد که به‌عنوان جاسوس در ایران فعالیت داشته‌اند. بعدها همین افراد پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران، با اونیفورم افسری ارتش سرخ در تهران و مشهد مشاهده شده‌اند (متینی، ۱۳۷۵: ۴۴۴).

در پی اعلام و اجرای چنین سیاستی از سوی حکومت شوروی و آغاز اخراج و تبعید ایرانیان است که مقامات سیاسی ایرانی به وضعیت ایرانیان در خاک شوروی حساسیت نشان داده و از «تضییقات وارده به اتباع ایران مقیمین خاک شوروی» (ساکما، ۳۱۰/۶-۵۴۱۸۰) و «وضعیت اسفبار اتباع ایرانی محبوس در خاک شوروی» (ساکما، ۳۱۰-۵۴۱۸۰/۱۰) سخن به میان آورده‌اند.

اداره کل امور سیاسی جماهیر شوروی در نامه‌ای به تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۰۸، به تضییقاتی که از هر طرف در نتیجه اجرای نقشه پنج‌ساله حکومت شوروی به ایرانیان وارد می‌شود اشاره کرده و پیش‌بینی کرده‌است که در نتیجه چنین سیاستی، ایرانیان بیشتری تقاضای مساعدت برای بازگشت به ایران را خواهند کرد (ساکما، ۳۱۰-۱۳۵۸۲/۱۳). سرکنسول‌گری ایران در بادکوبه نیز با اشاره به سیاست حبس و اخراج ایرانیان از شوروی به نکته دیگری در این مورد اشاره کرده و می‌نویسد: «غالباً به هر عاجز گدا، بدسابقه، پیر و معیوب که سربار دولت شوروی هستند فشار می‌آوردند به ایران بفرستیم و هرچه دکتر و مهندس و جوان باشند، اگر قبول تابعیت شوروی نکنند حبس کرده و می‌کنند چنانکه عده زیادی در حبس هستند» (ساکما، ۳۱۰-۵۴۱۸۰/۴۶) دولت شوروی با وجود اصراری که بر اخراج اتباع ایرانی از شوروی داشته، به متخصصان مشغول به کار در صنایع نفت قفقاز اجازه خروج از شوروی را نمی‌داد چراکه نمی‌خواست این افراد در شرکت نفت ایران و انگلیس مشغول به کار شوند. به همین جهت به این افراد اتهام جاسوسی می‌زده تا بتواند با حبس و شکنجه مانع رفتن آنان به ایران شود (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۶۵).

گزارش والی خراسان درباره مهاجران وارده به این منطقه نیز مؤید این گزارش است. والی با اعلام اینکه در میان مهاجران وارده به مشهد اکثریت با زن و بچه‌هاست و مردهایشان هم پیر و عاجزند، این‌گونه استنباط می‌کند که احتمالاً روس‌ها مردهای کاری را به خاطر کار کشیدن از آنان نگاه داشته و دیگر مهاجران را «با اسقاط از تمام وسایل معیشت و هستی» به ایران فرستاده‌اند (ساکما، ۳۱۰-۵۴۱۸۰/۱۱۷). چنین استنباطی دور از واقعیت هم نیست چراکه روس‌ها مهاجران کاری باقی‌مانده را به قزاقستان می‌فرستادند تا در اثنای جنگ جهانی و در چارچوب سیاست‌های خاص توسعه اقتصادی شوروی از نیروی کار این

افراد بهره‌برند (دمیرچی لو، ۱۳۹۸: ۲۵).

البته حکومت ایران مکاتبات و مذاکراتی با حکومت شوروی داشته و سعی در بازگرداندن آنان به وطن داشته‌است. در این باره وزارت امور خارجه در نامه‌ای به تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۱۷ به ریاست وزرا، از مذاکرات صورت‌گرفته و وعده حکومت شوروی برای آزادی و اعزام این تبعیدی‌ها به ایران خبر داده‌است (ساکما، ۱۹۳/۳۱۰-۵۴۱۸۰).

بیکاری ایرانیان ساکن شوروی و اخراج آنان از محل کارشان نیز از دلایل بسیار مهم ایرانیان برای بازگشت به ایران بوده‌است. البته همان‌گونه که کنسول‌گری ایران در باطوم گزارش داده‌است این تصمیم حکومت شوروی اختصاص به اتباع ایران نداشته و کلیه اتباع خارجی حاضر در خاک شوروی را شامل می‌شده‌است. بر اساس همین گزارش حکومت شوروی بازگشت ایرانیان اخراج‌شده به کار را منوط به قبول تابعیت شوروی از سوی آنان کرده‌است (ساکما، ۱۳۵۸۲/۲-۳۱۰ / صباحی، ۱۳۸۰: ۶۳ و ۴۹-۴۸). همین امر نشان از این دارد که بسیاری از ایرانیان به دلیل عدم تمکین به این امر حبس، اخراج و تبعید را متحمل شده‌اند.

علاوه بر چنین گزارش‌هایی خود ایرانیان مهاجر نیز در عریضه‌هایی، سعی در انعکاس وضعیت نامطلوب خود در خاک شوروی، دلایل حبس توسط روس‌ها و همچنین چرایی تصمیم به بازگشت به وطن داشته‌اند. جاسوسی برای دولت ایران از جمله اتهاماتی است که به گفته این ایرانیان روس‌ها به بهانه آن به حبس و شکنجه آنان می‌پرداخته‌اند (ساکما، ۱۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۲۷). «علاقه به وطن» و «امنیت و آسایش ایران» از دیگر دلایلی است که برای بازگشت عنوان کرده‌اند. کنسول ایران در گنجه خبر می‌دهد که ایرانیان مقیم این شهر که از منطقه قراجه‌داغ به این شهر مهاجرت کرده‌اند به دلیل علاقه به وطن و همچنین به دلیل امنیت و آسایشی که در سایه حکومت پهلوی ایجاد شده‌است، مشتاق بازگشت به ایران هستند (ساکما، ۱۳۵۸۲/۲۰-۳۱۰). آشوری‌های ایرانی ساکن شوروی نیز به دلیل اینکه از لحاظ تأمین معیشت در این خاک به مشکل برخورد کرده بودند، اصرار بر صدور ویزا برای آنان و سکونتشان در ایران داشته‌اند (ساکما، ۱۳۵۸۲/۱۶-۳۱۰-۰).

۳. عریضه‌نویسی ایرانیان برای بازگشت به ایران

برخی از ایرانیان مقیم شوروی برای بازگشت به ایران درخواست‌های خودشان را به‌صورت عریضه تقدیم مقامات حکومتی ایران کرده‌اند. در یکی از این عریضه‌ها که از طرف کارگران ایرانی مقیم بادکوبه و خطاب به وزارت طرق معابر نوشته شده‌است آنان با اعلام اینکه در گذشته به‌واسطه نبود امنیت مجبور به ترک وطن شده‌اند در ادامه دلایل خود برای بازگشت دوباره را ذکر کرده‌اند. بر اساس این عریضه آنان قصد بازگشت داشته‌اند تا به نسبت توان خود «در تعمیرات جدیده وطن مشغول فعلگی باشند.» این کارگران در انتهای عریضه خود اظهار امیدواری کرده‌اند که با بازگشت به وطن و آغاز به کار «از قیودات اسارت و اضمحلال خاک خارجه مستخلص و آزاد» شوند (ساکما، ۱۳۵۸۲/۵-۰۳۱۰-۳۱۰).

ایرانیان آشوری ساکن شهر راستف نخجوان روسیه نیز از همین طریق خواست خود مبنی بر بازگشت به ایران را به مقامات حکومتی اعلام کرده‌اند. آنان در این عریضه با اعلام اینکه کنسول ایران به دلیل ممنوعیت ورود آنان به ایران از دادن ویزا به آنان ممانعت کرده‌است از شاه ایران خواسته‌اند که اجازه صدور ویزا به کنسول‌گری را صادر نماید (ساکما، ۱۳۵۸۲/۲۲-۰۳۱۰-۳۱۰).

ایرانی‌هایی که در خاک شوروی نیز بالاجبار به مناطق بدآب‌وهوای مثل سیبری این کشور فرستاده شده بودند، در عریضه‌ای به شاهنشاه با تشریح وضعیت اسفبار خود از عدم صدور ویزا برای آن‌ها برای معاودت به ایران شکایت کرده‌اند. آنان با اعلام اینکه در مدت حضور خودشان در شوروی همواره تابعیت ایرانی خودشان را حفظ کرده و همواره به ایرانی بودن خودشان مباحثات ورزیده‌اند، درخواست موافقت با صدور ویزا برای آنان را کرده‌اند (ساکما، ۱۳۵۴۱۸۰/۵۹-۰۳۱۰-۳۱۰).

برخی از این عریضه‌ها نیز برای تأیید تابعیت ایرانیان مهاجر نگاشته شده‌است. در عریضه‌ای اهالی روستای آلانکشی شهادت داده‌اند که یکی از هم‌ولایتی‌های آن‌ها که سال‌ها قبل به روسیه مهاجرت کرده‌است و حال قصد بازگشت دوباره به ایران را دارد، از اهالی آن روستا بوده و تابعیت ایرانی دارد (ساکما، ۱۳۲۵۶/۲-۰۳۱۰-۳۱۰). در عریضه‌ای دیگر که

خطاب به شاهنشاه نوشته شده، شخصی به نام دکتر حسین بهجت طهرانی اعلام کرده که ایرانی است و تصمیم دارد «با عواطف آن یکتا قائد برجسته تاریخی به وطن مقدس خاکبوس گردد» (ساکما، ۶ و ۵/۱۰۷۴۷-۳۱۰).

۴. گونه‌های حمایت از بازگشت مهاجرین به ایران

درخواست‌های مهاجرین برای بازگشت به ایران و مشکلات ایجادشده برای آنان از سوی حکومت شوروی، باعث شد تا حکومت ایران در راستای حمایت از اتباع ایرانی، بستر مناسب برای بازگشت آنان را فراهم نماید. یکی از مهم‌ترین کارهایی که در سال‌های پایانی حکومت رضاشاه به دلیل ورود حداکثری مهاجرین و نیاز به حل مشکلات و کنترل آنان و به تاریخ ۸ تیر ۱۳۱۷ صورت گرفت، تشکیل کمیسیون مهاجران بود (آذری، ۱۳۷۲: ۵-۴).

۴.۱. حل مشکل دریافت گذرنامه و ویزا

عدم توانایی ایرانیان بی‌بضاعت برای اخذ ویزا و همچنین نبود زمان لازم برای طی تشریفات اداری صدور ویزا، ازجمله مشکلاتی است که گریبان‌گیر این طیف از مهاجران بوده‌است. برای حل این مشکل پیش روی این مهاجران از سوی مقامات حکومتی وقت ایران مکاتباتی صورت گرفته و اقداماتی عملی انجام یافته‌است. در این باره وزارت امور خارجه پیشنهاد دادن گذرنامه و ویزای مجانی به ایرانیان تبعیدی بی‌بضاعت ساکن شوروی را داده‌است (ساکما، ۵۴۱۸۰/۶۸-۳۱۰). خود مهاجرین نیز به دلیل فقر اعطای ویزای مجانی به آنان را از شرایط بازگشت به ایران عنوان کرده‌اند (ساکما، ۱۳۵۸۲/۲۰-۳۱۰). البته دادن گذرنامه به ایرانیان فاقد گذرنامه و یا دارندگان گذرنامه‌های کهنه با مشکلاتی همراه بوده و مهم‌ترین این مشکلات تشخیص تابعیت ایرانی درخواست‌کنندگان بود (ساکما، ۵۴۱۸۰/۵۴-۳۱۰).

برای حل این مشکل مهاجران و تأمین اعتبار هزینه این امر وزارت مالیه از سوی حکومت مسئول تأمین اعتبار آن شده‌است (ساکما، ۱۳۵۸۲/۱-۳۱۰). البته علی‌رغم مکاتبات صورت‌گرفته وزارت مالیه در نامه‌ای به تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۰۸، با اعلام هزینه تقریبی یک‌صد هزار تومانی برای تأمین هزینه مربوط به دو هزار نفر از ایرانیان گنجه، از نبود

اعتبار لازم برای تأمین این مخارج خبر داده‌است (ساکما، ۱۳۵۸۲/۱۲-۰۱۳۱۰-۳۱۰).

موضوع دیگر مرتبط با ویزای مهاجران و تصمیم حکومت پهلوی برای معافیت مهاجران از تأدیة جریمه عدم داشتن ویزا از مهاجران در بدو ورود به ایران بوده‌است. این مشکل زمانی گریبان‌گیر مهاجران بوده که این اتباع ایرانی بدون ویزا در مرز حضور می‌یافتند و مجبور به دادن جریمه بودند. دلیل این امر نیز فرایند طولانی‌مدت صدور ویزا از سوی سفارت در مسکو بوده‌است و به همین دلیل نیز حکومت تصمیم گرفت تا این افراد صرفاً با دست داشتن تذکره قانونی و بدون دادن جریمه نداشتن ویزا، بتوانند وارد ایران شوند (ساکما، ۵۴۱۸۰/۵۲-۰۵۴۱۸۰-۳۱۰). برای اجرایی کردن این تصمیم، در نامه‌ای به اداره کل گمرک و شهربانی اعلام گردیده تا در این باره همکاری لازم را داشته باشد (ساکما، ۵۴۱۸۰/۵۳-۰۵۴۱۸۰-۳۱۰). علی‌رغم چنین تمهیداتی اسناد و مدارک نشان از این دارند که مهاجرت‌های غیرقانونی از سوی ایرانیان به‌واسطه نداشتن گذرنامه و ویزا امری شایع بوده‌است (ساکما، ۴۴ و ۱۰۸۷۶۹/۴۷-۳۱۰-۱۰۸۷۶۹/۴۷).

بیشتر این مهاجران به دلیل نداشتن گذرنامه اقدام به این کار می‌کرده‌اند (ساکما، ۳۴ و ۳۷ و ۴۳ و ۱۰۸۷۶۹/۴۷-۳۱۰-۱۰۸۷۶۹/۴۷). ژنرال کنسول‌گری ایران در بادکوبه در گزارشی به تاریخ ۵ خرداد ۱۳۱۷ اعلام می‌کند که با توجه به انحلال کنسول‌گری‌های ایران در شوروی و همچنین اعزام اتباع ایرانی با تذکره‌های کهنه و نامرتب و بدون ویزا از سوی دولت شوروی به ایران، مأمورین سرحدی ایران باید در این باره تدابیر لازم را اتخاذ کرده و از ورود این اشخاص ممانعت به عمل آورند (ساکما، ۵۴۱۸۰/۸۹-۰۵۴۱۸۰-۳۱۰).

۲.۴. مشکل پرداخت عوارض گمرکی

عدم دریافت عوارض گمرکی برای اسباب و اثاثیه مهاجران و همچنین عدم درخواست ارائه پروانه ورود از دیگر اشکال حمایت از بازگشت ایرانیان مهاجر بوده‌است. در این باره وزارت امور خارجه در نامه‌ای به دفتر مخصوص شاهنشاهی با اشاره به وضعیت مهاجران ایرانی یکی از راهکارهای پیشنهادی خود را به این موضوع اختصاص داده‌است. در این نامه درخواست شده تا تسهیلات گمرکی نسبت به این افراد در نظر گرفته شود چراکه « این

افراد پول نمی‌توانند از خاک شوروی خارج کنند ناچار اثاثیه و اشیاء خریدیه با خود می‌آورند که بعد در اینجا به فروش رسانده مایه دست خود قرار دهند» (ساکما، ۲۲/۵۴۱۸۰-۳۱۰). اداره کل گمرک نیز با اعلام اینکه این افراد نمی‌توانند ارز و پول همراه خود داشته باشند از گمرک خراسان خواسته که با بی‌بضاعت دانستن این افراد بر طبق مفاد قانون آنان را از پرداخت عوارض گمرکی برای اثاثیه‌شان معاف بدارد (ساکما، ۲۰۴/۵۴۱۸۰-۳۱۰).

وزارت خارجه برای اینکه هیچ‌گونه مشکلی در این باره متوجه مهاجران نشود، درخواست کرده که به نمایندگان سیاسی ایران در شوروی دستور داده شود تا گواهی‌نامه‌ای با تعیین نوع اثاثیه به مهاجران بدهند و بدین طریق مأمورین گمرک در بدو ورود آنان به ایران با مهاجران همکاری لازم را داشته باشند (ساکما، ۶۸/۳۱۰-۵۴۱۸۰).

۳.۴. مشکل اشتغال مهاجران بعد از ورود به ایران

اشتغال این مهاجران پس از ورود به ایران از دیگر مواردی است که به جد موردتوجه قرار گرفته‌است چراکه این موضوع از مهم‌ترین دغدغه‌های مهاجرانی بوده که تصمیم به بازگشت گرفته بودند (ساکما، ۲/۱۳۵۸۲-۳۱۰ / ساکما، ۲/۰۹۸۰۸-۳۱۰). در مکاتبات صورت‌گرفته میان مقامات حکومتی مرتبط با موضوع مهاجران، از لزوم حل این مسئله برای بازگرداندن اتباع ایران سخن رفته‌است. برای نمونه زمانی که فله‌های باکو درخواست امنیت شغلی و تخصیص شغلی برای آنان در ایران را می‌کنند ریاست وزرا به آنان اطمینان می‌دهد که برای عمله‌ها هر جا که بروند کار مهیاست و در این باره نیازی نیست شغلی برای آنان در نظر گرفته شود (ساکما، ۳/۱۳۵۸۲-۳۱۰). با این حال و به دلیل اینکه ایرانیان شوروی صرفاً عمله‌ها را شامل نمی‌شد و همچنین تعداد مهاجران نیز زیاد بوده‌است، به این دلیل بایستی برنامه‌ریزی‌های لازم برای شغل این مهاجران انجام می‌گرفته‌است. در این باره وزارت امور خارجه در نامه‌ای به تاریخ ۲ خرداد ۱۳۱۶ چنین پیشنهاد می‌دهد: «نظر به اینکه در داخله محتاج به مزدور و کارگر زیاد هستیم و اتباع ایران در خاک شوروی هم اغلب مجرب، ورزیده و کارکن هستند شاید مقتضی باشد که دولت وسیله جلب آن‌ها را به کشور خود فراهم آورند» (ساکما، ۲/۰۹۸۰۸-۳۱۰).

البته گزارش‌های واصله نشان از این دارد که علی‌رغم مکاتبات و تلاش‌های

صورت گرفته، مشکل اشتغال همچنان به عنوان یکی از دغدغه‌های مهاجران پابرجا بوده است. همین امر حتی باعث شده است که بسیاری از مهاجرین مجبور به بازگشت دوباره به شوروی بشوند. برای حل این مشکل خود مهاجرین نیز با نوشتن عریضه‌هایی نسبت به موضوع اشتغال و تهیه کار از سوی دولت درخواست کمک کرده‌اند (ساکما، ۱۹۱/۰۵۴۱۸۰-۳۱۰).

یکی از مواردی که بحث بیکاری در میان مهاجرین را لاینحل باقی گذاشته است سیاست اسکان حداکثری مهاجران در روستاها و به کار گماردن مهاجرین در کارهای مرتبط با کشاورزی بوده است. با توجه به چنین سیاستی و همچنین این امر که بیشتر این مهاجرین در حرفه‌های دیگر دارای تخصص بوده‌اند به همین دلیل نیز موفق به اشتغال نمی‌شده‌اند (ساکما، ۱۱۸/۰۵۴۱۸۰-۳۱۰).

عدم همکاری اداره کشاورزی در موضوع اشتغال این مهاجران را می‌توان از دیگر دلایل مشکل اشتغال این مهاجران دانست. این اداره در نامه‌ای به تاریخ ۲ آذر ۱۳۱۷ از نداشتن اعتبار لازم برای قبول مساعدت به مهاجرین خبر داده است (ساکما، ۱۴۰/۳۱۰-۰۵۴۱۸۰). خود مهاجرین نیز در عریضه‌ای از عدم همکاری این اداره با آنان خبر داده‌اند (ساکما، ۱۴۱/۰۵۴۱۸۰-۳۱۰). این عدم همکاری‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده در باب اشتغال مهاجران پیامدهای منفی را به دنبال داشته و مقامات حکومتی نیز به این امر آگاهی داشته‌اند. ریاست وزرا در نامه‌ای به وزارت کشور به تاریخ ۷ آذر ۱۳۱۷ به چنین پیامدهایی اشاره کرده و می‌نویسد: «نظر به اینکه این مهاجرین اکثراً فاقد هر نوع وسایلی می‌باشند که بتوانند امر معیشت خود را فراهم سازند و با نداشتن سرمایه و عاری بودن از اشتغال و پیشه و هنری بیکارند و دور نیست همین که در مضیقه و فشار گرفتار باشند برای گرداندن امر معیشت خود مرتکب اعمال نامشروع و پیرامون خیالات نامطلوب گردند» (ساکما، ۱۴۱/۰۵۴۱۸۰-۳۱۰).

۴.۴. مشکل تأمین هزینه و چگونگی انتقال مهاجران به ایران

چگونگی بازگرداندن مهاجران از شوروی به ایران، تأمین هزینه‌های مسافرت این افراد و

همچنین تأمین وسیله نقلیه برای حمل آسان آنان مورد درخواست مهاجرین و همچنین مورد توجه مقامات حکومتی ایران بوده‌است. برای نمونه ایرانیان مقیم شهر گنجه برای مهاجرت به ایران از کنسول ایران در گنجه درخواست کرده‌اند که چند واگن قطار برای انتقال آنان و اشیاء موردنیازشان در اختیار آنان گذاشته شود (ساکما، ۱۳۵۸۲/۲۰-۳۱۰).

محمد ساعد سفیرکبیر ایران در شوروی نیز در این باره به دولت پیشنهاد داده‌است که همان سیاستی را در پیش بگیرد که ترک‌ها و یونانی‌ها در انتقال اتباع خود در پیش گرفته بودند. وی در نامه‌ای به تاریخ ۵ آبان ۱۳۱۸ به وزارت امور خارجه، خبر داده که ترک‌ها و یونانی‌ها بعد از خبردار شدن از حبس و شکنجه اتباع خود در شوروی باب گفتگو را با دولت شوروی باز کرده و موفق به بازگرداندن اتباع خود به سرزمین مادری‌شان شده‌اند. به گفته وی برای این کار «ترک‌ها چند کشتی آورده و اتباع خود را به ترکیه برده و در آنجا نان و کار دادند» و یونانی‌ها نیز «کشتی‌هایی از دولت شوروی اجاره نموده و هر بار دو هزار نفر آنان را به یونانستان برده و در آنجا درجهایی که شایسته می‌دانست نشیمن داده و برایشان کار و سرمایه آماده کرده‌است» (ساکما، ۷۳ و ۵۴۱۸۰/۷۲-۳۱۰). البته مدت‌ها قبل از پیشنهاد ساعد به دولت، فرماندار گیلان اختصاص یک کشتی ایرانی برای انتقال مهاجران را پیشنهاد داده و از دولت درخواست می‌کند که کشتی پرت پهلوی را که متعلق به شیلات بوده‌است به این امر اختصاص دهد (ساکما، ۳۱۰/۱۹۰-۵۴۱۸۰).

چیزی که مشخص است این است که دولت سعی در تأمین هزینه انتقال این مهاجران داشته‌است و حتی در این باره مصوبه‌ای به تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۱۸، نخست‌وزیری اعلام کرده که مبلغ پنجاه هزار ریال از محل اعتبار دولت برای کرایه مسافرت و حمل اثاثیه ایرانیان مهاجر بی‌بضاعت اختصاص داده و برای حمل آنان به خاک ایران چاره‌اندیشی کرده‌است (ساکما، ۳۱۰-۵۴۱۸۰/۲۶۶).

۵.۴. مشکل بازگرداندن ایرانیان تبعیدشده در خاک شوروی

تلاش برای آزادی ایرانیان تبعیدی و بازگرداندن آنان به ایران در زمره اقدامات دیپلماتیکی است که بر اساس برخی اسناد در راستای حمایت از معاودت ایرانیان به وطن صورت گرفته‌است. با توجه به اینکه حکومت شوروی به هنگام تبعید و حبس ایرانیان

خانواده آنان را به زور راهی ایران می کرده است (ساکما، ۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۲۷) دولت سعی بر آن داشته تا برای حل مشکل معیشتی زنان و بچه‌های وارده به ایران، مردان این خانواده‌ها را به ایران بازگرداند تا آنان بتوانند خوردخوراک خانواده‌شان را تأمین کنند (ساکما، ۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۱۱۷). از دیگر موضوعاتی که مشکلاتی را برای ورود این مهاجرین باعث شده و در این باره مکاتباتی صورت گرفته است، زنان روس تبار برخی از این مهاجران بودند. همین امر باعث گردید که مأمورین حکومت ایران در شوروی با مشکلاتی روبرو شوند (ساکما، ۵۵ و ۵۴/۰۵۴۱۸۰-۳۱۰).

تأمین هزینه ایرانیانی که برای دریافت گذرنامه راهی مسکو و سفارت ایران در آن شهر می شده‌اند از دیگر مواردی است که در این باره می توان به آن اشاره کرد. وزارت امور خارجه در نامه‌ای به نقل از سفارت ایران در مسکو به تاریخ ۷ مهر ۱۳۱۷، با اشاره به بسته بودن کنسولگری‌های ایران در شوروی به جز بادکوبه، از سیل مهاجرانی خبر داده است که بالاچار برای دریافت گذرنامه راهی مسکو می شده‌اند و چون غالباً بی بضاعت بوده‌اند، از سوی سفارت چهارهزار منات به این امر اختصاص داده است. سفارت ایران همچنین با برآورد هزینه سی هزارمنااتی برای راه انداختن کار این اتباع ایران از دولت خواسته تا اجازه بدهد از اعتبار جمعیت شیروخورشید سرخ در این راستا استفاده شود (ساکما، ۵۱/۰۵۴۱۸۰-۳۱۰).

۴.۶. مشکلات مرتبط با ورود مهاجرین به ایران

البته قصد این مهاجرین برای بازگشت نگرانی‌هایی نیز برای حکومت وقت ایران در پی داشته و حکومت در مواردی احتمال می داده که این مهاجرین و شهروندان تبعیدی از ایران با مقاصد سیاسی و خیانت قصد ورود به خاک ایران را داشته‌اند. اتباع آشوری تبعیدشده از ایران از جمله چنین مواردی هستند. سفیرکبیر ایران در مسکو در نامه‌ای به تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۰۸ با اشاره به اعتراض آشوری‌ها مبنی بر عدم صدور ویزای ورود به ایران برای آنان، صدور ویزا برای این افراد را مغایر با تصمیماتی دانسته که دولت در قبال آشوری‌ها اتخاذ کرده است (ساکما، ۱۶/۰۱۳۵۸۲-۳۱۰).

تأثیرپذیری ایرانیان مهاجر از افکار غالب در شوروی و ترس از انتشار چنین افکاری

توسط مهاجرین در ایران، باعث شده تا در باب ورود این افراد به ایران و حتی به‌کارگیری آنان در برخی مشاغل محدودیت‌هایی اعمال شود (ساکما، ۱۳۱۰-۰۰۹۸۰۸/۴). ریاست وزرا در نامه‌ای به تاریخ ۹ تیر ۱۳۱۶ اعلام می‌کند که به دلیل تولد نشوونمای این اتباع ایرانی در روسیه و «افکار مسموم» آنان نمی‌توان بدون احتیاط وارد کارهای دولتی کرد (ساکما، ۱۳۱۰-۰۰۹۸۰۸/۳). همچنین بر اساس بخشنامه دولت به سال ۱۳۱۷، به این افراد در دستگاه‌های دولتی شغلی داده نشده و در همین سال به تمام وزارتخانه‌ها و مؤسسات زیر نظر دولت دستور داده شد که به فعالیت شغلی مهاجرین در این دستگاه‌ها خاتمه داده شود (بیات، ۱۳۷۴: ۱۸). چنین تصمیمی با کشف شبکه‌های جاسوسی شوروی در ایران در ارتباط بوده‌است. در نتیجه تبعیدیان که تا آن روز قادر به پیدا کردن شغل در تبعیدگاه‌های خود بودند، از این تاریخ این امکان نیز از آنان گرفته شد. البته وضعیت نامناسب برخی از این مهاجران محدود به مشکلات این‌چنینی نمی‌شد و بعد از بازگشت به ایران تبعید نیز می‌شدند (صبحی، ۱۳۸۱: ۱۶۲-۱۶۱).

در مواردی نیز مقامات سیاسی ایران با علم به مقاصد سیاسی برخی مهاجرین، سعی در ممانعت از ورود این افراد به ایران داشته‌اند. برای نمونه در راپرتی از کنسول ایران در بادکوبه، وی درباره درخواست شخصی به نام دکتر بهجت طهرانی مقیم بادکوبه، اعلام کرده که شخص فوق «آدم اداره سیاسی» است و او به‌واسطه دیدارهایی که با این شخص داشته متوجه مقاصد سیاسی‌اش شده‌است (ساکما، ۴ و ۳ و ۱۰۷۴۷/۲-۳۱۰-۰۰) البته چنین ترسی با میزان فعالیت روس‌ها در ایران غیرمعقول به نظر نمی‌رسد چراکه در آن دوره شوروی نفوذ بسیار زیادی در ایران داشته‌است (لنچافسکی، ۱۳۵۱: ۱۴۲).

علی‌رغم چنین شک و شبهه‌هایی که نسبت به مهاجرین وجود داشت سفیر ایران در شوروی ترس از بازگشت این مهاجران و دلایل مرتبط با آن را بی‌اساس خوانده و بر این عقیده‌است که «با قدرت و عظمتی که امروزه دولت شاهنشاهی دارد ملاحظه اینکه مبدا میان مهاجرین کسان ناصالحی باشند و ضرری وارد بیاورند بکلی بی‌پایه و اساس و جلوگیری از اعمال مضره احتمالی آن‌ها برای مقامات وابسته شاهنشاهی کاری بسیار سهل و آسان و ما نباید به این دلیل از سه هزار فرزند میهن که دست توسل و التجا بدامن دولت

متبوع خود زده‌اند روی گردانیم و آن‌ها که در آتش بدبختی می‌سوزند در سرزمین پهناور شاهنشاهی مامن و پناه ندهیم» (ساکما، ۳۳/۵۴۱۸۰-۰۳۱۰). البته افرادی هم که وارد ایران می‌شدند و حکومت چنین افکاری را به آنان نسبت می‌داد بدون محاکمه و با عناوین «مهاجر» و «خطرناک برای امنیت کشور» به صورت دسته‌جمعی به مناطق جنوبی ایران تبعید می‌شدند. (صباحی، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

۵. گونه‌های حمایت از مهاجرین وارده

حمایت از مهاجرین وارده و اسکان داده‌شده در ایران نیز یکی از دغدغه‌های وزارتخانه‌های مرتبط با این امر بوده‌است. حمایت مالی از مهاجران وارده، اسکان و تلاش برای حل مشکل اشتغال آنان، تأمین هزینه حمل‌ونقل این افراد، تأمین غذا و هزینه معالجه آنان و همچنین تلاش دیپلماتیک برای بازگرداندن اموال و کسان باقی‌مانده مهاجران از خاک شوروی به ایران از جمله پیشنهادها و اقداماتی است که در این باره صورت گرفته‌است.

۵.۱. سیاست ایران در حمایت از مهاجران

تأمین اعتبار هزینه‌های جاری مهاجرین

تأمین اعتبار هزینه‌های جاری مهاجرین یکی از گونه‌های این حمایت‌هاست و سازمان‌های دخیل در امر مهاجرین مبالغی را برای این کار اختصاص داده‌اند. هیئت وزرا در نامه‌ای به تاریخ ۸ آذر ۱۳۱۶ از موافقت دولت برای حمایت از مهاجرین و اختصاص مبلغ ده‌هزار ریال برای تأمین هزینه‌های مهاجرین و همچنین اتباع ایرانی آشوری وارده خبر داده‌است (ساکما، ۲۶/۵۴۱۸۰-۰۳۱۰). ولی عهد وقت ایران نیز به سال ۱۳۱۷، قطعه چکی به مبلغ ده‌هزار ریال به‌عنوان اعانه برای کمک به این مهاجران اختصاص داده‌است (ساکما، ۳۰/۵۴۱۸۰-۰۳۱۰). البته آن‌گونه که اسناد نشان می‌دهد هزینه‌های جاری مصرف‌شده برای مهاجرانی که در طول سالیان متمادی وارد ایران شده بودند بسیار بیشتر از چنین مبالغی بوده‌است. آن‌گونه که اداره کل شهربانی اعلام کرده، تنها برای مهاجرین وارده از اواخر سال ۱۳۱۶ تا خرداد ۱۳۱۷ که ۲۲۱۷۶ نفر بوده‌اند، صدوچهل‌هزار ریال هزینه شده‌است (ساکما، ۲۵۱/۵۴۱۸۰-۰۳۱۰). دولت در این مسیر از کمک‌های مردمی نیز بهره

برده‌است و مردم برای کمک به بهبود زندگی تبعیدی‌ها کمک‌رسانی کرده‌اند (مکی، ۱۳۶۲: ۳۷۰). برای این امر علاوه بر افتتاح شماره‌حسابی در بانک ملی برای واریز کمک‌های نقدی از سوی مردم، شیروخورشید سرخ مرکزی ایران از طرف کمیونی که برای مهاجران تشکیل شده بود مأمور جمع‌آوری کمک‌های مردم بود (آذری، ۱۳۷۲: ۵).

یکی از موارد مصرف چنین مبالغی، تأمین غذای مهاجران تازه‌وارد بوده‌است. استانداری سوم در گزارشی از وضعیت مهاجرین حاضر در آستارا به تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۱۷، با اعلام مطالبه نان و وسیله مسافرت از سوی مهاجرین اسکان داده‌شده بی‌بضاعت اظهار می‌دارد که «بنده اضطراراً به شهرداری‌های آستارا، اردبیل، سراب و غیره دستور دادم قوت لایموت فقرا مهاجرین به اختیار شهربانی‌های استان سوم خاصه آستارا گذارده شود و بلافاصله اقدام به پخش آن‌ها نمایند» (ساکما، ۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۴۱). همین مقام حکومتی در تلگرافی به وزارت داخله مبالغی را برای مساعدت به این افراد پیشنهاد نموده‌است. وزارت داخله نیز در نامه‌ای به تاریخ ۲ تیر ۱۳۱۷ با اعلام اینکه اختصاص درآمد شهرداری‌ها به امر مهاجرین این سازمان را از انجام وظایف ذاتی‌اش بازخواهد داشت، از ریاست وزرا درخواست می‌کند که مبالغ تقاضاشده را از اعتبار دولت به این امر اختصاص دهد چراکه در صورت تداوم این وضعیت این مهاجرین به گدایی عادت خواهند کرد و بعدها به‌سختی تن به کار خواهند داد (ساکما، ۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۱۵۱). در سندی دیگر به تاریخ ۸ مرداد ۱۳۱۷، وزارت داخله به مشکلات مهاجران ساکن در گرگان خصوصاً تأمین غذای اشخاص بی‌بضاعت اشاره کرده و درخواست نموده تا کمیونی برای حل مشکلات مهاجران در این شهر تشکیل و نسبت به تأمین هزینه مهاجران این شهر اقدام شود (ساکما، ۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۱۵۹).

علاوه بر این تأمین هزینه معالجه مهاجرین بیمار بی‌بضاعت نیز در دستور کار دولت بوده‌است. با توجه به اینکه مهاجران تبعیدی به دلیل زندگی سخت در شوروی و همچنین طی مسافت طولانی برای رسیدن به ایران به بیماری‌هایی مبتلا می‌شدند، امکان سرایت این بیماری‌ها وجود داشته‌است (ساکما، ۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۱۰۵).

۵.۲. اسکان مهاجران

مسئله اسکان مهاجرین یکی از مسائلی است که مکاتبات متعددی درباره آن صورت

گرفته و پیشنهادهایی نیز از سوی مقامات مختلف داده شده است. مقامات حکومتی مرتبط با امر مهاجرین در مواردی سعی در فراهم کردن بسترهای ورود و اسکان مهاجران را داشته‌اند. در ابتدای ورود مهاجران، حکومت بیشتر علاقه داشت که این افراد را در زادگاه خودشان اسکان دهند و اجازه داده نمی‌شد که آنان در جاهای دیگر ساکن شوند؛ اما برخی از ایرانیان به دلیل اینکه کاری مرتبط با تخصص آن‌ها در زادگاهشان پیدا نمی‌شد، از دولت خواسته‌اند تا اجازه دهد برای یافتن شغل مناسب محل سکونتشان را تغییر دهند. البته این موضوع برای تمامی مهاجران صدق نمی‌کرده و به مهاجرین آذربایجانی به دلیل نزدیکی زادگاه آنان به مرز و امکان ارتباط دوباره آنان با شوروی، اجازه اقامت در زادگاهشان داده نمی‌شده است (سادات و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸). این سیاست یعنی عدم اقامت تبعیدان در مرز تا آغاز سال ۱۳۱۷ رعایت می‌شده است ولی در این سال به دلیل کثرت مهاجران وارد شده، دولت تصویب کرد که تبعیدیان به زادگاه خود تبعید شده و در آنجا تحت نظر باشند و حتی پنجاه هزار ریال نیز برای این کار اختصاص داد. رضاشاه در نیمه دوم همین سال دستور داد تا این مهاجران به مناطق خاصی تبعید شوند. شاه همچنین به تاریخ ۱۹ آذر همان سال فرمان اقامت تبعیدیان در نقاط معین و لزوم تأمین هزینه مسافرت آن‌ها را صادر کرده است (همان، ۲۹-۲۸).

وزارت امور خارجه در قسمتی از راهکارهای پیشنهادی خود به دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره تسهیلات اعطایی به مهاجران در هنگام ورود آنان به ایران می‌نویسد: «مقدمات کار و در صورت لزوم اعتبار لازم برای اسکان آن‌ها تهیه شود تا تحت نظر کمسیون‌هایی که ممکن است تشکیل شود همان‌طور که ایرانیان از راه بندر پهلوی و راه جلفا و باجگیران متدرجاً به ایران وارد می‌شوند به تدریج هم ترتیب اسکان آنان داده شود.» نخست‌وزیری نیز در نامه‌ای به اداره کل شهربانی درخواست می‌کند که مساعدت لازم را درباره اسکان مهاجران به عمل آورند (ساکما، ۲۲/۰۵۴۱۸۰-۳۱۰).

اسکان مهاجران در مکان‌های مشخص از پیشنهادهایی است که در این باره داده شده است. به نظر چنین پیشنهاد و اقدامی ناشی از این بوده که حکومت درصدد کنترل مهاجران و کاستن از پیامدهای منفی حضور آنان در ایران بوده است. در مسئله ورود

آشوری‌ها چنین تصمیمی از سوی حکومت اتخاذ شده‌است. در این باره ریاست وزرا در نامه‌ای به وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۰۸ از این وزارتخانه می‌خواهد که به آشوری‌ها اطلاع بدهد که به شرطی می‌توانند وارد ایران بشوند که در حدود مناطق اصفهان و عراق ساکن شوند (ساکما، ۱۳۵۸۲/۲۲-۳۱۰). حساسیت حکومت در باب آشوری‌ها و محل اقامت آنان به نظر با تبلیغات روس‌ها میان آشوری‌های ساکن در شمال ایران در ارتباط است. به گفته لنچافسکی، حزب کمونیست به هنگام فعالیت‌های زیرزمینی خود در ایران، به شدت به اقلیت‌هایی چون ارمنه و آشوری‌های ایران متکی بوده‌است (لنچافسکی، ۱۳۵۱: ۱۳۳). به نظر آگاهی حکومت از چنین امری بر نوع برخورد با آشوری‌هایی که قصد بازگشت به ایران را داشتند بی‌تأثیر نبوده‌است.

اقامت در مناطق دوردست از دیگر پیشنهادهایی است که در این مورد مطرح شده‌است. وزارت امور خارجه در نامه‌ای به تاریخ ۵ بهمن ۱۳۱۷ از هیئت‌وزیران درخواست می‌کند که اجازه ورود صد و پنجاه ایرانی محکوم به تبعید که در جلفای شوروی سرگردان هستند را داده و با سکونت آنان در نقاط دوردست موافقت نماید (ساکما، ۱۳۵۸۰/۷-۳۱۰). کمیسیون مرکزی مهاجرین در این باره پیشنهاد دیگری داده و تأسیس آبادی یا شهر جدیدی را برای سکونت این مهاجران خواستار شده‌است (ساکما، ۱۳۵۸۰/۱۱۸-۳۱۰). علی‌رغم چنین پیشنهادهایی خود مهاجرین قصد سکونت در مناطق مشخص و سرزمین آباو اجدادی‌شان را داشته‌اند (ساکما، ۱۳۵۸۲/۲۰-۳۱۰).

۳.۵. اشتغال مهاجران

اقدامات حمایتی صورت‌گرفته در مورد مسئله اشتغال مهاجرین نیز از دیگر اشکال حمایت از این اتباع ایرانی بوده‌است. علی‌رغم اینکه این امر مخارج زیادی را در پی داشته‌است ولی مکاتبات و اقدامات صورت‌گرفته نشان از تصمیم دولت برای حل این مشکل مهاجران دارد (ساکما، ۱۳۵۸۰/۱-۳۱۰ / ساکما، ۱۳۵۸۰/۴۷۱-۳۱۰).

برخی از مهاجرین نیز به‌صورت تبعید برای کارهای سخت به مناطق دوردست و بدآب‌وهوا فرستاده می‌شده‌اند. کار در معادن خاک سرخ جزیره هرمز از جمله این کارهاست (ساکما، ۱۳۵۸۰-۳۱۰). علی‌رغم سیاست‌های حمایتی حکومت مشکل اشتغال همچنان

پابرجا بوده‌است. یکی از مواردی که این مشکل را می‌توانست تشدید کند این بود که بسیاری از این افراد به زبان فارسی آشنایی نداشتند و همین امر باعث کم شدن ارتباط این افراد با بومی‌های آن منطقه می‌شد.

این مشکل باعث گردیده تا مهاجران زیادی برای بار دیگر از هر طریقی راهی شوروی شوند. مکاتبات صورت گرفته در این باره نشان از حجم بالای مهاجرت‌ها و حساسیت حکومت نسبت مراجعت دوباره مهاجران به خاک شوروی دارد (ساکما، ۳۱۰/۵-۰۱۳۰۸۱). «بی‌آبرویی حکومت»، «یاس سایر اتباع ایرانی» و «مضار زیاد» از دلایل ذکر شده در مکاتبات صورت گرفته برای جلوگیری از این مراجعت‌ها عنوان شده‌است (ساکما، ۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۹۶).

در همین راستا اداره سیاسی وزارت داخله در نامه‌ای به ریاست وزرا خواستار انجام اقدامات مؤثر برای اشتغال این مهاجرین شده‌است تا بدین طریق جلوی مراجعت‌های غیرقانونی گرفته شود (ساکما، ۳۱۰-۰۱۳۰۸۱/۳). البته کابینه ریاست وزرا بر این اعتقاد است که به دلیل ترجیح زندگی در روسیه بر زندگی در ایران از سوی این مهاجرین، نمی‌توان مانع این مهاجرت‌ها شده و کاری در این باره انجام داد (ساکما، ۳۱۰-۰۱۳۰۸۱/۱). راهکار غالب برای مقابله با این مهاجرت‌ها، جلوگیری از خروج این مهاجران بوده‌است. در نامه‌ای به تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۸ از وزارت کشور به نقل از کنسول ایران در بادکوبه خواسته شده تا «به مأمورین کلیه مرزها اوامر اکید صادر فرمایند کاملاً مراقب باشند و نگذارند ایرانی‌ها به‌طور قاچاق برگردند و باعث بی‌آبرویی شوند» (ساکما، ۳۱۰-۰۵۴۱۸۰/۹۶).

۵.۴. بازگرداندن اموال باقی‌مانده مهاجران از شوروی به ایران

یکی دیگر از جنبه‌های حمایت حکومت از مهاجرین تلاش‌های دیپلماتیک برای بازگرداندن اموال ضبط‌شده مهاجران در خاک شوروی بوده‌است. در مواردی حکومت شوروی به هنگام اخراج و انتقال مهاجران به ایران، اموال متعلق به آنان را ضبط کرده و آنان را با دست‌خالی راهی ایران کرده‌است. در عریضه‌ای منسوب به یکی از مهاجرین وارده از بادکوبه به مجلس شورای ملی، نویسنده عریضه با اشاره به ضبط اموال منقول و

غیرمنقول خود در بادکوبه توسط عمال شوروی، از دولت درخواست مساعدت در این باره را کرده‌است (ساکما، ۱۵/۵۴۱۸۰-۳۱۰).

در پی وصول چنین اخبار و اعتراضاتی، حکومت وقت ایران تصمیم به مکاتبه با حکومت شوروی برای حل این مشکل نموده‌است. در این باره وزارت داخله در نامه‌ای به تاریخ ۹ خرداد ۱۳۱۷، به ریاست وزرا اعلام کرده‌است که مهاجرین وارده به ایران، املاک، اموال و کسان خود را در خاک شوروی جا گذاشته‌اند و اشخاص متضرر از این تصمیم دولت شوروی به این امر اعتراض کرده‌اند. این وزارت خانه از وزارت خارجه درخواست کرده که «اقدامات ممکنه معمول» را در این باره انجام دهد (ساکما، ۱۶۵/۵۴۱۸۰-۳۱۰).

۵.۵. مراقبت از اموال و دارایی مهاجران در ایران

مراقبت از اموال و دارایی مهاجرین وارده نیز از تصمیمات مقامات حکومتی برای حمایت از مهاجران وارده بوده‌است. شهربانی رشت در گزارشی به وزارت داخله ضمن تکذیب خبر خرید اثاثیه مهاجران مستأصل به قیمت ارزان توسط مأمورین دولتی، اعلام کرده‌است که: «به شهربانی دستور اکید داده شده که کاملاً مراقبت نموده اگر از دلان یا اشخاص متفرقه حتی مأمورین، مهاجرین را فریب داده و قصد خرید اشیاء به قیمت ارزان از آن‌ها را داشته باشند جداً جلوگیری و تعقیب نمایند ولی تاکنون ابداً شکایتی از مهاجرین در این مورد نرسیده و شهربانی هم مراقبت اجرای دستور فوق را نموده‌است.» این مقام حکومتی با اعلام اینکه این مهاجرین «اشخاص چشم‌بسته و ساده و بی‌اطلاع نیستند» و اشیاء خود را به قیمت ارزان نمی‌فروشند اظهار می‌دارد که حتی این مهاجرین «از موقع استفاده کرده از سمسارهای رشت و بندر پهلوی اشیاء کهنه و فروش نرفته را به امانت گرفته به‌عنوان اشیاء خود به قیمت گزافی می‌فروشند و از این راه استفاده می‌کنند» (ساکما، ۴۰ و ۳۹/۵۴۱۸۰-۳۱۰).

نتیجه‌گیری

تغییر سیاست حکومت روسیه در قبال اتباع خارجی ساکن در این کشور و فشار وارده بر آنان برای پذیرش تابعیت روسی و همچنین فشارهای وارده بر کمونیست‌های ایرانی در دوره

رضاشاه باعث شد تا حکومت پهلوی اول با مشکل معاودت ایرانیان مهاجر به شوروی روبرو شود. این مهاجرت که در طول حکومت پهلوی و در سال‌های مختلف روند متفاوتی را طی کرده‌است، واکنش‌های متفاوتی از سوی حاکمیت ایران را به دنبال داشته‌است. این مهاجرت‌ها بیشتر و به گونه‌های مختلف مورد تأیید کارگزاران حکومتی قرار گرفت و اقداماتی از قبیل تشکیل کمیسیون مهاجران، تأمین اعتبار هزینه‌های جاری مهاجرین، اسکان و تلاش برای حل مشکل اشتغال آنان، تأمین هزینه حمل‌ونقل این افراد، تأمین غذا و هزینه معالجه آنان و همچنین تلاش دیپلماتیک برای بازگرداندن اموال و کسان باقی‌مانده مهاجران از خاک شوروی به ایران از جمله اقداماتی بود که در این باره صورت گرفت. در مواردی نیز به دلیل ترس حکومت از شیوع تفکر کمونیستی در ایران و جاسوسی این مهاجران، با موانعی روبرو شده‌است. میزان فعالیت شوروی و عاملان آن در ایران آن زمان، باعث ترس حکومت از بازگشت این افراد بوده‌است. از مهم‌ترین موارد و مشکلات مرتبط با مهاجران چگونگی کنترل این افراد بود که در این باره دولت به تعیین اماکن مشخص برای سکونت مهاجران و تبعید آنان دست زد و سعی در کنترل و نظارت بر آنان داشت. با این حال حجم زیاد مهاجران، مشارکت این مهاجران در فعالیت‌های خرابکارانه و آشنا نبودن بیشتر این ایرانیان با فرهنگ و زبان ایرانی، باعث شد تا این مهاجران با مشکلات عدیده‌ای روبرو شوند تا جایی که حتی بسیاری از این مهاجران بعد از ورود به ایران، به شوروی بازگشتند.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- ابراهیم اف، ت.ا. (۱۳۶۰)، *پیدایش حزب کمونیست در ایران*، ترجمه ر. رادنیا، تهران، گونش.
- ایوانف (۱۳۵۷)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه آذر تبریزی، تهران، شبگیر و ارمغان.
- آروتونیان، گ.س. (۱۳۸۵)، *انقلاب ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ ایران و بلشویک‌های ماوراء قفقاز*، ترجمه محمد نایب‌پور، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، *درک تشریحی از مشروطه (مقایسه حوزه مشروطه‌خواهی اصفهان و تبریز)*، چ ۲، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- دهنوی، نظامعلی (۱۳۸۳)، *ایرانیان مهاجر در قفقاز (فعالیت فرهنگی آنان در سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۰۰)*، تهران، وزارت امور خارجه.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۵۷)، *عزیز و دو انقلاب*، تهران، چاپار.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴)، *پیشینه سیاسی - اقتصادی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال‌دموکراسی در آن عهد*، تهران، اختران.
- صباحی، گنجعلی (۱۳۸۰)، *آن روزها*، ترجمه بهزاد هنری، تهران، پورشاد.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۴)، *روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه*، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- طاهرزاده بهزاد، کریم (۱۳۶۳)، *قیام آذربایجان در انقلاب مشروطه ایران*، اقبال، تهران.
- عیسوی، چالرز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره.
- لنچافسکی، ژرژ (۱۳۵۱)، *غرب و شوروی در ایران، سی سال رقابت ۱۹۴۸-۱۹۱۸*، ترجمه حورا یآوری، تهران، ابن‌سینا.
- مراغه‌ای، حاجی زین‌العابدین (۱۳۹۳)، *سیاحتنامه ابراهیم بیگ*، به کوشش م. ع سپانلو، تهران، آگاه.
- مکی، حسین (۱۳۶۲)، *تاریخ بیست‌ساله*، تهران، ناشر.
- ولی‌زاده، اکبر (۱۳۸۵)، *اتحاد جماهیر شوروی و رضاشاه (بررسی روابط ایران و شوروی میان دو جنگ جهانی)*، تهران، اسناد انقلاب اسلامی.

مقاله‌ها

- آذری، شهلا (۱۳۷۲)، «مهاجرت اتباع شوروی به ایران (۱۳۱۷ - ۱۲۹۷ ش)»، *گنجینه اسناد*، ۳(۹).
- بیات، کاوه (۱۳۷۴)، «مهاجران شوروی، نخستین تجربه پناهندگی در ایران»، *گفتگو*، ۷(۱۱).
- حکیمیان، حسن (۱۳۷۴)، «کارمزدی و مهاجرت: کارگران ایرانی در جنوب روسیه ۱۹۳۱ - ۱۸۸۰»، ترجمه افسانه منفرد، *تاریخ معاصر ایران*، ۲(۷).
- دمیرچی لو، مجتبی (۱۳۹۸)، «کوچ اجباری و تبعید ایرانیان مقیم شوروی به قزاقستان»، *تاریخ روابط خارجی*، ۲۰(۸۰)، ۲۵-۴۶.
- سادات، سید محمود؛ نورایی، مرتضی و میرجعفری، حسین (۱۳۹۲)، «بررسی تبعید ایرانیان از شوروی طی سالهای ۱۳۲۰-۱۳۰۵ ش»، *گنجینه اسناد*، ۲۳(۹۰)، ۲۲-۴۱.
- متینی، جلال (۱۳۷۵)، «بر آذربایجان چه گذشت؟»، *ایران شناسی*، ۸(۳۱)، ۴۴۱-۴۶۲.

اسناد

- بایگانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرونده‌های ۱۳۸۱-۳۱۰ / ۱۰۸۷۶۹-۳۱۰ / ۰۱۳۲۵۶-۳۱۰ / ۰۹۸۰۸-۳۱۰ / ۰۱۳۵۸۲-۳۱۰ / ۰۵۴۱۸۰-۳۱۰ / ۰۱۰۷۴۷-۳۱۰ / ۰۸۷۶۹-۳۱۰.

شماره ۱۸ / ۵ / ۱۳۱۷
نومبر ۱۳۱۷



جمعیت شیروخورشید سرخ ایران

هیئت مرکزی کل

مقام ریاست‌وزراء

نامه شماره (۵۹۵۲) ۱۳/۵/۱۷ متضمن یک قطعه چک به مبلغ ده هزار ریال عطیه مرحمتی والا حضرت همایون‌ولا یتیم‌دب‌معنوان اعانه جمعیت کمک بهماجرین ایرانی از خاک شوروی واصل گردید اینک با ارسال قبضه رسید ان قدیم تشکراتی پایان جمعیت مرکزی شیروخورشید سرخ از مراحم - محصوره و عواطف والا حضرت همایونی به پیشگاه مہارک مورد استدعا است

نایب رئیس

(Handwritten signature)

مستند وزارت
شماره ۲۰۶
۱۷/۵/۱۳۱۷

۱۷/۵/۱۹
(Handwritten signature)
۱۹/۱۷۵



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
مدیریت منطقه شمال غرب کشور
تبریز



ایالت خراسان

شماره

مورخه ۱۳۱۷ / ماه ۵ / شنبه ۱۲۳

محرره دفتر

۵۸۶۰
۱۶ / ۵ / ۱۲۳

مدرس کورس تاریخ
۱۷ / ۵ / ۱۳۱۷

کرم شخصیت رفت بار من بجز این ایران که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
بعد از این در این شخصیت من این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
هم که در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
که در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
نار در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
فرمانده این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
پنج موضوع مصروف در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
زن و بچه این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
اینکه در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
روس و ایران که در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
دست بقیه کرده در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
نظام ایران که در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
هم شیخ فرزند خانم بود که در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷
و به عدت که در این خطا که در خاک شود و در دو جهت لایحه این خطا این خطا که در پانزدهمین روز اردیبهشت در وزارت امور خارجه در ۱۳۱۷

با احترام
۲




سازمان شاهنشاهی
جمهوری اسلامی ایران

مدریت منطقه شمال غرب کشور
تبریز

اداره.....

نمونه (۶)




(وزارت امور خارجه)

سنا و تکمیرای ایران - مسکو
سواد مراسله نمرة ۴۹۸ مورخه ۱۳۰۸۳۷۳۰۸۳۷ وزارت که اصل آن بنمرة ثبت شد اداره

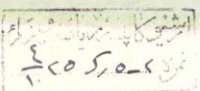
وزارت جلیله امور خارجه

مسئله کنسارت و از چندی باینطرف د چار زحمت نموده است مسئله کنسرت به است فراین اواخر متجاوز از بیست خانوار کنسرتی که جمعه ایران هستند سنارت کنسرتی مواجهه و برای رفتن بایران ویزا میخواهند و صریحا اظهار میکنند که اگر ما اجماع ایران هستیم چرا ویزای ورود بایران بمانده نمی شود و اگر نیستیم چرا بما تذکره ایرانی داده شده است و سنارت که مشکلات امر میداند حقیقتا متحیر است که با نفاچه جواب بد هد در سنوات قبل که کنسرتها سنارت مراجعه و ویزا میخواستند سنارت بکلور آنها را از رفتن بایران منصرف می نمود ولی امروزه که از حیث تمییز در روسیه با نفاست میگردد هیچ طور متقاعد نشده و اصرار دارند که سنارت تکلیف آنها را معین بنماید مسئله دیگری که باید مورد توجه بشود اینست که اگر با وضعیتی که فعلا موجود است بکنسرت کنسرتی محکوم به تمعید بایران بشود و تذکره بطوریکه معمولست برای ویزا از طرف کنسرتای خارجه سنارت فرستاده شد سنارت چه باید بکند - آیا میتواند تذکره را ویزا ننماید و بدست یک اشخاصیکه برای تمییزات خود بی بها نه میگردد یک چنین حربه را بد هد و اگر بکنسرت کنسرتی ویزا ورود داد بدولت با تصمیماتی که راجع باشور بها اتخاذ شده چگونه می تواند جواب بد هد چون این وضعیت سنارت را منتها درجه د چار اشکال نموده است متمنی است توجه مخصوص بمندرجات این راپورت بدرمانند و نظریات خود را مرقوم فرمایند که تکلیف سنارت در آتیه معلوم باشد علیقلی

سواد مطابق اصل است
ح نود و بیست



سازمان شاه و کتبخانی
جمهوری اسلامی ایران
مندوبیت منطقه شمال غرب کشور
تبریز



نوع مسوده	نمبره عمومی	۶۱۰
موضوع مسوده	نمبره خصوصی	
ضمیمه	کارتن	۱۱.۵
مسئول پاك نویس	دوسیه	
کابینه ریاست وزراء		
تاریخ تحریر: ماه تاریخ پاك نویس: ۱۳۰۴/۱۳/۱۳ ماه تاریخ ثبت: ۲/۳/۱۳۱۴		

دولت محمد رضا شاه

مجلس شورای ملی

پرزاد فخر از جناب آقایان ...

از راه های غیر عادی ...

لذا دستور این است ...

و به دستور کابینه ...

مگر بواسطه ...

سرکار در محال ...

۱۳۰۴/۱۳/۱۳

۳۵۹

دولت محمد رضا شاه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
مدیریت منطقه شمال غرب کشور
تهران

